

معرفی توصیفی شبهات و ردود حول القرآن الکریم

حسن حکیم باشی

شبهات و ردود حول القرآن الکریم. محمدهادی معرفه، مؤسسه التمهید، قم المقدسه، الطبعة الاولى، ۱۴۲۳هـ ۲۰۰۲ م، ۶۰۸ص.

آیه الله محمدهادی معرفت از چهره های برجسته و شناخته شده در عرصه فقه و تفسیر و قرآن پژوهی است که ده ها سال به تلاش علمی و تدریس و تألیف در این سه زمینه همت گماشته و از رهاورد این پویش علمی ده ها کتاب ومقاله به زبان عربی و فارسی به رشته تحریر درآورده است که برخی از آنها مهم ترین منابع در زمینه مربوطه هستند. در عرصه قرآن پژوهی کتابهای «التمهید فی علوم القرآن» و «التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب» و دیگر کتابهای استاد را می توان برجسته ترین اثر عالمان شیعی در طول تاریخ متون اسلامی درباره علوم قرآنی به شمار آورد. سخن در توصیف شخصیت و شرح حال زندگی علمی استاد و معرفی آثار و تألیفات ایشان مجالی فراخ تر می طلبد. اینک در این مجال کوتاه، در پی بررسی و معرفی اثر تازه قرآنی ایشان با عنوان «شبهات و ردود حول القرآن الکریم» هستیم. این کتاب که به تازگی و پس از سالها تلاش سخت کوشانه استاد انتشار یافته موسوعه ای از مهم ترین شبهات وارده بر ساحت قدسی قرآن کریم است که در طول سده های تاریخ اسلامی از سوی قرآن پژوهان و مستشرقان عرضه شده است. در این میان به جای بررسی های پیرامونی همچون استقراء و استقصای شبهات و پارینه شناسی خاستگاه و آغاز پیدایش هر شبهه یا نخستین مطرح کننده آن، به اصل موضوع و گزیده ترین پاسخ با استوارترین روش پرداخته شده، چنان که از میان انبوه شبهه ها و خرده گیری های خرد و کلانی که در اینجا و آنجا دیده می شود، به بایسته ترین ها بسنده شده است.

کتاب یادشده به لحاظ پرداختن تخصصی و اختصاصی به شبهات پیرامون قرآن، نخستین کتاب از این دست در تاریخ شیعه بوده که به حق باید انتشار آن را نقطه عطفی در تاریخ تحقیقات قرآنی و بشارتی عظیم برای ره پویان این رشته علمی به شمار آورد. اینک پیش از معرفی این اثر، شایسته است نیم نگاهی به دیدگاه کلی استاد در زمینه شبهه و شبهه پردازی بیفکنیم.

شبهه و روش برخورد با آن

استاد معرفت، شبهه را امری پسندیده و بایسته می‌داند که ضامن پیشرفت کاروان علم و دانش و روند تحقیق و پژوهش است:

«شبهه به طور مطلق، یکی از نعمتهای الهی است. اساساً اگر شبهه در کار نبود دانشی هم وجود نمی‌داشت. دانشمند پس از شک به دنبال تحقیق می‌رود. یک فقیه نیز فقط پس از شک در آراء فقهای پیشین به سراغ تحقیق می‌رود و گرنه مانند بسیاری از فقهای تقلیدگونه عمل می‌کند... اساساً شبهه مایه پیشرفت است و کسی که شبهه نمی‌کند یعنی حرکت علمی در وجود او حالت ایستادگی دارد. از امام صادق (ع) سؤال کردند که اگر در برخی مسائل برای ما شبهاتی ایجاد شود، چه باید کرد؟ ایشان می‌فرماید شبهه اگر در حدّ شبهه باشد جایز است؛ اما اگر این شبهه‌ها ما را به جهل رهنمون شوند، اشکال دارد».

ایشان فرهنگ موجود در جامعه مبنی بر تلقی مخاصمه‌جویانه از شبهه را تصویری نادرست و برخوردار از ناپایستگی می‌داند.

شبهات وارده در باب قرآن

استاد معرفت، شبهات را شامل دو قسم کهن، مانند آنچه در آثار فخررازی و عبدالجبار معتزلی دیده می‌شود و شبهات جدید، همچون تشکیک در وحیانی بودن ساختار قرآن و ترکیب کلامی لفظ آن می‌داند که آیا متعلق به خداست یا ساخته پیامبر (ص) است که مفاهیم را دریافت می‌کرده و خود در قالبی می‌ریخته است.

ایشان همچنین زمینه‌های ایجاد شبهه را به دو گروه داخلی و خارجی تقسیم می‌کند: یک؛ زمینه‌های خارجی مانند دیدگاه‌های مستشرقان که قرآن را اساساً به عنوان وحی آسمانی باور ندارند و آن را ساخته و پرداخته پیامبر و برخاسته از هوش و نبوغ و ذکاوت و روشن‌اندیشی وی می‌دانند، لذا تضادهای خیالی قرآن با تاریخ یا علم را به دلیل اشتباه پیامبر می‌دانند که اگر وحی الهی می‌بود خالی از اشتباه بود. و دیگر زمینه‌های داخلی شبهات که به دلیل همگام نبودن برداشتهای مفسران از قرآن با روند پیشرفت علوم پدید آمده است.

شیوه پاسخگویی به شبهات

استاد معرفت از میان سه شیوه: «برخورد تکفیرآمیز و مرتدّ‌پنداری» و «مواجهه تحقیرآمیز» و «پاسخ به دور از دشمنی و با عطف و استدلال»، تنها شیوه سوم را درست می‌داند و می‌گوید: «کسی که سؤال دارد همانند فرد مریض است. آیا می‌توان به مردم گفت نباید مریض شوید. شبهه نیز یکی از درد و علت هاست. طبیب نباید فرد را به دلیل ابتلا به مرض شماتت کند؛ بلکه باید به دنبال درمان او باشد. به همین دلیل، کسی را که شبهه دارد نباید معاند پنداشت».

ایشان این روش را شیوه معمول امامان اهل بیت (ع) در احتجاجات خود با دیگران دانسته و در این زمینه به اقدام امام حسن عسکری (ع) در برابر ابن اسحاق کندی فیلسوف مشهور مسلمان اشاره می‌کند که تفکرات الحادی داشت و شش ماه درس خود را تعطیل کرده بود تا تناقضات قرآن را جمع‌آوری کند؛ امام توسط یکی از شاگردان به او پیغام داد که: آن کسی که قرآن، سخن اوست، اگر بگوید آنچه تو به عنوان اختلاف و تناقض می‌فهمی فقط برداشت تو است و من آن را قصد نکرده‌ام چه می‌

کندی با شنیدن این سخن تکان دهنده همه کاغذهایی را که در آن مدت گردآورده بود به آتش کشید.

کتاب «شبهات و ردود حول القرآن الکریم»

نویسنده در مقدمه این کتاب، شبهات وارده از سوی معارضان را پنج قسم می داند که از این قرارند: ۱. الهام گیری قرآن از منابع زمینی و تعلیمات محیط پیرامون پیامبر و ندهای درونی وی، به دلیل ممکن نبودن فراگیری وحی مستقیم آسمانی از روی بشر زمینی مادی؛ ۲. تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ زمان جاهلیت؛ ۳. تناقض نمونی؛ ۴. وجود اشتباهات تاریخی، ادبی و علمی؛ ۵. احتمال راه یافتگی تحریف به قرآن.

بر همین اساس، مطالب کتاب در ضمن پنج باب تنظیم شده که عبارتند از: هل للقرآن من مصادر، القرآن و ثقافات عصره، موهم الاختلاف و التناقض، هل هناك في القرآن مخالفات، القصص القرآنی.

۱. قرآن و منابع زمینی: اشکال نخست، بیشتر از سوی مستشرقان و غالباً همراه با انگیزه های مغرضانه و از سر دشمنی و گاه انگیزه های سیاسی و استعماری ارائه شده و مستند ایشان نیز همگرایی ظاهری برخی از مطالب قرآن و عهدین بوده چنان که از برخی آیات قرآن نیز بر می آید؛ مانند «إنّ هذا لفي الصحف الأولى» و «وإنّ له لفي زبر الأولين»، یا آیاتی که آموزه های قرآن را یاد آشنای عالمان بنی اسرائیل معرفی می کند. کسانی چون تسدال، ماسیه، اندریه، لامنز، گلدزیه، نولدکه و... قرآن را برگرفته از متون کهن و منابع دینی یهود همچون تلمود دیده اند. قرآن اما، دلیل این همگرایی و همگونی را تنها این حقیقت می داند که آیینهای ابراهیمی همگی سرازیر از یک منبع هستند و همه آموزه های آنها در راستای کلمه توحید و اعمال صالح و مکارم اخلاق است. چنان که شواهد تاریخی اتخاذ برخی از برخی دیگر را نفی می کند و از نظر عقل نیز احتمال اتفافی بودن و تصادفی بودن این همگونی و همگرایی ناممکن است. (صفحه ۳ تا ۲۹)

نویسنده بر حقانیت پیامبر و وحیانی بودن قرآن، دلایل بسیاری اقامه کرده مستندات معارضان را پاسخ می گوید. و در ادامه با مقایسه تطبیقی معارف قرآن در عرصه های توحید، صفات خدا، انسان شناسی، ویژگیها و امتیازات انسان، منزلت و جایگاه والای وی، مقام پیامبران و سیره و تاریخ ایشان، با آنچه در کتب عهدین آمده، به این نتیجه می رسد که هرگز نمی تواند منبع قرآن، تورات و انجیل تحریف شده موجود در دسترس پیامبر باشد.

نویسنده در فصل دیگری به تفصیل، داستان طوفان نوح در تورات و قرآن را به مقایسه می نشیند و فرضیه جهان شمول بودن آن را نقد می کند. (صفحه ۲۹ تا ۵۱)

در ادامه باب اول و در ادامه بررسی تاریخ انبیا در قرآن و انجیل و تورات، این موضوعات بررسی شده اند:

پدر واقعی ابراهیم، تارح یا آزر. فرزند قربانی ابراهیم؛ اسماعیل یا اسحاق. کشتی یعقوب با خدا. عبور بنی اسرائیل از دریا. داستان گوساله و سامری. هویت واقعی قارون. حرکت کوه بر فراز سر بنی اسرائیل. داود و همسر اوریا (صفحه ۵۱ تا ۷۸)

در ادامه همین فصل، گزارشهای انجیلها و قرآن درباره مریم، خواهر هارون و دختر عمران، نسبت الوهیت به او، ولادت عیسی(ع)، کودکی و کهولت او، بشارت وی به آمدن پیامبر اسلام، و به صلیب کشیدن عیسی(ع) با یکدیگر مقایسه شده است. (صفحه ۷۹ تا ۱۰۹)

۲. قرآن و فرهنگ زمانه: در باب دوم کتاب، از اتهام دیگری که بر قرآن وارد ساخته اند مبنی بر اینکه قرآن بازتاب فرهنگ زمانه بوده به تفصیل پاسخ داده شده و مبارزه برنامه ریزی شده و زمان بندی شده اسلام علیه مسائلی چون تبعیض علیه زنان و برده داری به عنوان شاهد نادرستی این باور مطرح شده است. ادعا شده که دیدگاه اسلام درباره زن تحت تأثیر فرهنگ حکم فرما بر جاهلیت عصر نزول بوده است. مؤلف محترم ضمن تبیین کرامت انسانی و جایگاه بلندی که قرآن برای زن - همسان و برابر با مرد - قائل است، فلسفه تفاوت هایی را که قرآن در برخی عرصه ها میان زن و مرد گذاشته مورد تحلیل قرار داده است. از جمله دلیل تفاوت دیه و ارث و شهادت زن با مرد را حکمت شگرف آفریدگار جهان به عنوان یگانه مرجع قانون گذاری می داند که بر اساس مقتضیات متفاوت طبیعی و آفرینش این دو جنس بوده است. نویسنده همچنین پرسشهای مطرح شده درباره قضاوت زن، حق طلاق وی، مسأله حجاب، ضرب زن و مسأله چند همسری را به تفصیل پاسخ گفته است. و حکمت تعدد همسران پیامبر گرامی اسلام را نیز بیان کرده است. (صفحه ۱۳۷ تا ۱۷۴)

پس از آن تلاش قرآن و اسلام در جهت آزادسازی بردگان و نسخ رسم برده داری تبیین شده است. (صفحه ۱۷۴ تا ۱۸۶)

در ادامه همین باب، تفاوت گزاره های ناب و روشن قرآن در باب جن، حورالعین و باغهای بهشت با خرافات پوسیده جاهلی تبیین شده و سپس اعتراف قرآن به تأثیر سحر و دیدگاه قرآن در باب حقیقت دانش سحر و چشم زخم مورد تحلیل قرار گرفته است. (صفحه ۲۰۲ تا ۲۳۷)

۳. تناقض نمونی قرآن: در سومین باب از کتاب، توهم متناقض نما بودن قرآن را که از سده های نخستین تاریخ اسلام برای بسیاری روی داده و امامان اهل بیت(ع) نیز در مواردی به توضیح و رفع چنین شبهاتی پرداخته اند. در فصل سوم از کتاب پس از تحلیل علل و عوامل پیدایش ذهنیت یادشده موارد و نمونه های چندی از متناقض نمایی آیات قرآن مطرح و سپس بدان پاسخ داده شده است. از جمله: بارگناه هر کسی بر دوش خود اوست یا بر دوش کسی که او را به گمراهی افکنده، روز قیامت هزار سال یا پنجاه هزار سال، آفرینش آسمانها و زمین در دو روز یا شش روز، وجود پرسش و پاسخ در قیامت یا عدم آن، و تنظیم مقدرات انسانها و مسأله اختیار. (صفحه ۲۴۴ تا ۲۸۶)

استاد معرفت در ادامه این باب به موضوع اختلاف قراءات و تأثیر آن در پیدایش اختلاف در قرآن پرداخته و دیدگاه ابن قتیبه صاحب «تأویل مشکل القرآن» را در این باب مورد نقد قرار داده است و نیز موارد و نمونه های دیگری از سخن ابن قتیبه را بررسی کرده است و در پایان به اشکالاتی که قطب الدین راوندی در کتاب «الخرائج و الجرائح» آورده اشاره کرده است. (صفحه ۲۸۶ تا ۳۱۰)

۴. ناسازگاری با علم و تاریخ: در این باب با رد مخالفت و ناسازگاری قرآن با علم، نمونه های چالش برانگیز عرضه شده از سوی دانشمندان و معارضان مورد تحلیل ادبی و علمی و تفسیری قرار گرفته است. از جمله اشارات قرآن به جفت بودن همه آفریده ها، کوری دل، سخن گفتن مورچه، مراحل تکون جنین، شهابهای آسمانی و طرد شیاطین، آسمانهای هفت گانه و جو زمین، زمینهای هفت گانه و لایه های زمین، ذوالقرنین و چشمه سرخ در مغرب زمین، هویت واقعی همامان وزیر فرعون و چگونگی

ساخته شدن برج او، ادعاهای یهود درباره بسته بودن دست خدا، ادعای یهود مبنی بر پسر خدا بودن عزیز، یوسف و خزانه داری مصر و... که معرکه مجادلات بسیار میان مفسران و مورخان و مستشرقان است. (صفحه ۳۱۲ تا ۳۶۷)

در ادامه باب پنجم کتاب، خرده های ادبی را که بر قرآن گرفته شده می بینیم؛ از جمله وجود اشتباه در تعبیر، عدم رعایت قواعد نحوی، عدم تطابق ضمیرها و مرجع ها و وصف ها با موصوف ها از جهت افراد و تشبیه و جمع و تذکیر و تأنیث در برخی موارد و... (صفحه ۳۶۸ تا ۴۱۷)

۵. بازنگری داستانهای قرآن: نویسنده در پنجمین و آخرین فصل کتاب، پس از ذکر مقدمه ای اندر باب فایده داستان و داستان سرایی و روایت های تاریخی و روش قصه پردازی در قرآن و ویژگی های قصص قرآنی، به بررسی اهداف قرآن از آوردن قصه ها و فلسفه تکرار قصص در قرآن پرداخته و هنر تصویرگری و مکتب آزاد هنری آن را نمایانده، همچنین دیدگاه های برخی قرآن پژوهان عرب مانند محمد احمد خلف الله، طه حسین، علی عبدالرزاق و خلیل عبدالکریم و دیگر نواندیشان مسلمان را که زبان قرآن را در نقل داستانها زبان تمثیل دانسته اند مورد نقد و تحلیل قرار داده و در پی اثبات این حقیقت برآمده که قرآن هر چند از زبان هنر به بهترین شکل بهره برده و مکتب هنری ویژه برای خود داشته، اما همواره بر عنصر واقعیت پای فشرده و اساساً به عنوان یک منشور هدایت، نیازی به بهره وری از خیال پردازی نداشته است. (صفحه ۴۱۸ تا ۴۵۱)

استاد در ادامه در راستای اثبات حقیقت یادشده موارد بسیاری از داستانهای قرآن را مورد ریزنگری تاریخی - تطبیقی قرار داد است؛ مانند داستان فرزندان آدم، قوم عاد و ثمود و ناقه صالح، و اصحاب کهف و رقیم و هویت آنان. (صفحه ۴۵۲ تا ۴۶۸)

استاد، در ادامه فصل پنجم، به تفصیل سخن از موضوع جنجال برانگیز ذوالقرنین یا کورش دارد که محورهای این بحث عبارتند از: هویت واقعی ذوالقرنین، هجوم او به سرزمین فارس یا مغرب خورشید، توقف او در ساحل دریای اژه در کنار چشمه سرخ رنگ (عین حمئه)، لشکرکشی او به دیگر سرزمینها و هویت و موقعیت تاریخی و جغرافیایی قوم یاجوج و مأجوج و سد معروف آنان، تمدن بشری در عصر ذوالقرنین و فن آوری مورد استفاده در ساختن سد یاجوج و مأجوج یا سد تاریخی کورش.

در ادامه این پرسشها مطرح شده که: آیا دیواره «دربند»، همان سد یاجوج و مأجوج است که بعدها از سوی انوشیروان بازسازی شد؛ آیا ذوالقرنین همان کورش است، آیا عبد صالح خدا هموست که منشور حقوق بشر را پس از فتح سرزمین بابل ابلاغ کرد و بر لوح سنگی نقش بست. سپس شواهد تاریخی بر اثبات و نفی این فرضیه مطرح شده است. (صفحه ۴۶۸ تا ۵۳۰)

در پایان، به مناسبت، سخن از سد بزرگ مآرب و سازنده آن و همچنین دیوار چین رفته و ارتباط نداشتن آن با سد ذوالقرنین و یا اسکندر مقدونی اثبات شده و با نگاهی به تاریخ بنی اسرائیل در سرزمین مصر به پایان رسیده است. در آخر کتاب نیز فهرست آیات و فهرست مصادر و فهرست موضوعات درج گردیده است.

استاد معرفت در اثر ارجمند و مهم خود که به حق دائرة المعارفی در این زمینه است از منابع گوناگونی در علوم تفسیر، حدیث، تاریخ، فقه، ادبیات، لغت، علوم قرآن، فرق، کلام، تاریخ تمدن، متون ادیان، معاجم و دائرة المعارف ها بهره جسته است.

بی تردید، به دلیل اهمیت فراوان و گستره موضوع این اثر، مجال چند و چون و بررسیهای وسیع تر و ژرف تر در بسیاری از مقوله های آن همچنان گشوده است، به امید آن که آنچه از سوی استاد عرضه و ارائه شده فتح بابی در این مجال و مقال باشد و زمینه ساز تحقیقات و بررسیهای عالمانه و متبّعانه دانشمندان و اندیشمندان گردد.

آنچه در این مقال گفته آمد، گزارشی توصیفی در معرفی این کتاب بود و نه گزیده یا چکیده مطالب آن، که خود نیازمند اختصاص ده ها صفحه خواهد بود.

این کتاب از سوی تنی چند از محققان، در حال ترجمه به زبان فارسی است و بزودی شاهد انتشار آن خواهیم بود. چنان که تاکنون ترجمه بخشهایی از آن به قلم نگارنده این سطور، در همین فصلنامه درج شده است.*

* ر.ک: مقاله زن در قرآن و در فرهنگ زمان نزول ، (در دو بخش) شماره ۲۶ - ۲۵، بهار و تابستان ۱۳۸۰ و ۲۸-۲۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۰؛ و نیزمقاله قرآن و دیگر آیینها و فرهنگها (در دو بخش) شماره های ۳۱، پاییز ۱۳۸۱ و ۳۲، زمستان ۱۳۸۱.

